

عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه اصفهان

دکتر مهدی ادیبی سده* و مسیح الله کیهانی**

چکیده

از ابتدای تشکیل جوامع بشری تا پیدایش دولت شهرهای آتن و نیز شکل گیری و ایجاد دولت، ملتهای امروزی، مسأله مشارکت مردم در امور حکومت، کشورداری و نیز شیوه‌ها و چگونگی این مشارکت مورد توجه اندیشمندان سیاسی بوده است. شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی گوناگون کشورها و نوع حکومتها در دوره‌ها و مکانهای مختلف، میزان و شکل مشارکت متفاوتی را نشان می‌دهد. محدودیت مشارکت در نظامهای استبدادی و تمرکزگرا که گستره وسیعی از تاریخ بشر را در بر می‌گیرند، سبب شده است تا دانشمندان و نظریه پردازان سیاسی بحث مشارکت مردم در سرنوشت خویش را، به طور جدی دنبال نمایند.

در جامعه ما، دانشجویان یکی از آگاه‌ترین و حساسترین اقشار جامعه محسوب می‌شود، و مشارکت سیاسی آنان، نشانگر میزان اهمیت و فراهم بودن زمینه مشارکت افراد جامعه در امور سیاسی تلقی می‌گردد، لذا این پژوهش جهت دستیابی بر میزان مشارکت سیاسی و عوامل مؤثر بر آن در بین دانشجویان دانشگاه اصفهان صورت گرفته است. تا بر میزان مشارکت سیاسی آنان و عوامل مؤثر بر آن آگاهی حاصل گردد.

* عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان.

** کارشناس ارشد رشته جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان.

با توجه به متغیرهای پژوهش چهار فرضیه طراحی و رابطه بین میزان استفاده دانشجویان از رسانه‌های گروهی، دینداری، میزان فعالیت سیاسی اعضای خانواده آنان و جنسیت دانشجویان با میزان مشارکت سیاسی آنان مورد آزمون قرار گرفت.

از طریق فرمول کوکران حجم نمونه‌ای به تعداد ۲۶۴ نفر از میان جامعه آماری ۱۰۴۹۵ نفر دانشجویان در سال تحصیلی ۸۴-۱۳۸۳ انتخاب گردید. نتایج بدست آمده نشان داد که استفاده از رسانه‌های گروهی و میزان مشارکت آنها، رابطه معنی‌داری وجود دارد. ضمناً بین مشارکت سیاسی خانواده دانشجویان و جنسیت آنان، با میزان مشارکت سیاسی دانشجویان رابطه معنی‌داری تأیید گردید.

واژه‌های کلیدی: مشارکت، سیاست، مشارکت سیاسی، توسعه سیاسی، فرهنگ سیاسی، دینداری، نظام سیاسی و جنسیت

مقدمه

در طول تاریخ بشر نظامهای مختلفی شکل گرفته است، که شیوه‌ها و رفتار سیاسی هر کدام با دیگری متفاوت و لاجرم میزان مشارکت سیاسی مردم آنها نیز گوناگون بوده است. صرف‌نظر از حکومت‌های استبدادی که تقریباً هیچ نوع مشارکت مردمی در آنها دیده نمی‌شود، توجه ما به حکومت‌هایی دموکراتیک معطوف است. به طور کلی دو نوع دموکراسی در انواع حکومتها ملاحظه می‌گردد: دموکراسی مستقیم، که شهروندان مستقیماً در فعالیتهای سیاسی شرکت و در رأی‌گیریها، بحثها، مشاوره‌های سیاسی و تصویب قوانین مستقیماً شرکت می‌نمایند، که این نوع دموکراسی در یونان باستان مرسوم بوده است. در دموکراسی غیر مستقیم که بر اساس نمایندگی صورت می‌پذیرد، شیوه‌ای از مشارکت محسوب و مردم با انتخاب نمایندگان، تصمیم‌گیری در امور گوناگون خصوصاً سر نوشت خویش را به آنان می‌سپارند.

امروزه تمامی حکومتها و نظامهای سیاسی در غرب و شرق پی به اهمیت مشارکت سیاسی مردم برده، و زمینه مشارکت مردم در فرآیند مشارکت و تصمیم‌گیری سیاسی را، فراهم آورده‌اند. زیرا یکی از ملاکهای مشروعیت نظامهای سیاسی که مهمترین ملاک نیز تلقی می‌گردد، میزان مشارکت مردم در امور حکومتی است. لذا برخی از حکومتها با بزرگ‌نمایی مشارکت

مردمی بخصوص میزان آراء، سعی در بالابردن مشروعیت خود دارند. زیرا هر قدر میزان مشارکت مردم زیادتر باشد مشروعیت نظام سیاسی مربوطه نیز بیشتر خواهد بود.

کارکرد مثبت و با اهمیت مشارکت سیاسی، مورد استفاده کلیه نظامهای سیاسی است. به همین منظور دولتهای جدید به دنبال سازمان دادن و بسیج همه شهروندان خود برای دستیابی به این هدف مهم بوده و حتی از این حربه برای دفاع از خود و یا حمله به دشمنان استفاده می‌نمایند.

نکته قابل توجه اینست که این ارتباط بین حکومتها و مردم چگونه باید صورت گیرد، که

هم مشروعیت نظام سیاسی را در پی داشته باشد و هم نفع عمومی را برای مردم به ارمغان آورد؟

یکی از نشانه‌های مهم مشارکت سیاسی مردم، شرکت آنان در امر انتخابات نمایندگان مجالس، ریاست جمهوری، گزینش رهبری، رأی به قانون اساسی عضویت در احزاب و گروههای سیاسی، شرکت در جلسات سخنرانی فعالان سیاسی، شرکت در راهپیمائی‌های سیاسی و غیره می‌باشد. ضمناً به لحاظ ویژگی‌های خاص قشر جوان و آگاه دانشجویان و اهمیت که این گروه از مردم جامعه در جهت گیری‌های سیاسی از خود بروز می‌دهند، در این پژوهش جامعه آماری از بین دانشجویان دانشگاه اصفهان انتخاب گردید، تا میزان مشارکت سیاسی آنان مورد ارزیابی قرار گرفته و به شناخت عوامل مؤثر در این مشارکت پی برده شود.

طرح و اهمیت مسئله

تمامی جوامع جهت تحقق توسعه سیاسی و فرهنگی در جریان نوسازی و گذار از جامعه سنتی به جامعه صنعتی و توسعه یافته، با مسائل و تضادهای گوناگونی مواجه می‌گردند. در حوزه توسعه سیاسی یکی از بحرانهایی که جوامع در مسیر این تحول با آن روبرو می‌شوند بحران مشارکت نامیده می‌شود، که حل آن مستلزم فراهم نمودن شرایط مناسب جهت مشارکت عمومی در امر حکومتی است.

کشور ما ایران پس از پشت سر گذاشتن یک انقلاب، درست در سخت‌ترین شرایط مرحله گذار، درگیر یک جنگ تحمیلی ناخواسته گردید، که مشکلات عدیده‌ای را برای مردم ایجاد و در نتیجه برای حل کلیه این مشکلات ضرورت مشارکت مردم را بیش از پیش ضروری گردانید.

بی شک دانشجویان یکی از اقشار اجتماعی هستند که به اقتضای عوامل مختلفی در

التهاب و هیجان فعالیت سیاسی، انگیزه و استعداد فراوانی برای مشارکت در امور سیاسی جامعه دارند. بدست آوردن شناخت و آگاهی از انگیزه‌ها، استعدادها و بطور کلی عوامل مؤثر بر مشارکت آنان، مهمترین بخش تلاش و کوشش محققین در پژوهش حاضر می‌باشد، لذا چنانچه نتایج حاصله بتواند گره‌ای از مشکلات سیاسی موجود جامعه را حل نماید، کارکردی شناختی و کاربردی خواهد داشت.

امروزه یکی از مهمترین شاخص‌های توسعه سیاسی میزان مشارکت همه جانبه مردم در انواع گروه‌ها و برنامه‌های اجتماعی، سیاسی بویژه انجمن‌های داوطلبانه و سازمانهای غیر دولتی (N.G.O.) می‌باشد. زیرا بی توجهی به این موضوع می‌تواند موجب تضعیف شکل‌گیری مفهوم شهروند فعال و همچنین کاهش علائق عمومی و هویت اجتماعی افراد گردد. این امر خصوصا در کشورهای جهان سوم که در معرض فشارهای مضاعف در روند جهانی شدن قرار دارند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

در جوامعی که زندگی گروهی در آنها زمینه گسترش زیادی ندارند، نوسازی اجتماعی همه جانبه معمولا با کاهش مشارکت سیاسی همراه است. به عبارت دیگر فرد تنها و منزوی در این قبیل جوامع با افزایش قدرت دولت بیشتر احساس ضعف و بی‌قدرتی می‌نماید. (رضائی، ۵۴: ۱۳۷۵).

به نظر ساموئل هانتینگتون^۱ مهمترین کمبود در کشورهای در حال توسعه، علاوه بر نارسائی‌های اقتصادی، کمبود اشتراک سیاسی است. به اعتقاد وی دگرگونیهای اجتماعی، اقتصادی، شهرنشینی، بالا رفتن سواد و آموزش، صنعتی شدن و توسعه وسایل ارتباط جمعی دامنه آگاهی سیاسی آنان را وسعت می‌بخشد (هانتینگتون، ۹: ۱۳۷۵).

اگر یک انقلاب سیاسی در سراسر جهان امروزی جاری باشد، این انقلاب می‌تواند انقلاب مشارکت باشد (Almond and Verba, ۱۹۷۳: ۴).

مشارکت سیاسی مردم، کارایی نظام سیاسی و حکومتی را افزایش داده و کانالهای مشارکت، افکار عمومی را در جهت کارایی نظام سیاسی و حکومتی از طریق انتقال خواسته‌ها تجهیز می‌نماید.

فرهنگ سیاسی

سوگیری فرد نسبت به کنش سیاسی در فرهنگ سیاسی ریشه دارد. سوگیری به معنای داشتن انگیزه، استعداد و آمادگی برای اقدام سیاسی که عواملی نظیر مخاطرات تاریخی، هنجارها، ارزشها، احساسات و عواطف، این اقدامات را تعیین می‌کند. به عبارت دیگر می‌توان گفت رابطه‌ای آشکار میان الگوهای فرهنگی غالب در یک جامعه و شکل و کارکرد نظام سیاسی و همینطور رفتار سیاسی مردم وجود دارد. در بحث از فرهنگ سیاسی چنین فرض می‌شود که سیاست، محصول ویژگی‌های بنیادین در یک فرهنگ کلی‌تر می‌باشد. وریبا^۱ فرهنگ سیاسی را نظامی از باورهای تجربی، نهادهای عاطفی و ارزشها که موقعیت کنش سیاسی را تعیین می‌کند، تعریف کرده و بال^۲ فرهنگ سیاسی را ترکیبی از امتیازات، اعتقادات، شور و احساس و ارزشهای جامعه می‌داند که با نظام سیاسی ارتباط دارد (محمدی، ۱۳۷۳: ۲۸).

عبدالرحمان عالم، فرهنگ سیاسی را آن قسمت از فرهنگ عمومی میداند که به روند سیاسی نظم و معنی می‌بخشد. اصول بنیادینی را مشخص می‌کند و رفتار حکومت را در نظام سیاسی مقرر می‌دارد. وی معتقد است که جنبه‌های خاص از فرهنگ عمومی جامعه به طور ویژه با چگونگی برخورد با حکومت و اینکه باید چه وظایفی را انجام دهد، ارتباط دارد. این بخش از فرهنگ را می‌توان فرهنگ سیاسی نامید (همان منبع: ۳۹).

رابرت دال^۳ فرهنگ سیاسی را بیانگر الگوهای متفاوت سیاسی دانسته و عناصر برجسته آن را اینگونه اعلام می‌دارد:

- ۱- سمت‌گیری نسبت به نظام سیاسی. آیا عملگرا است یا عقلانی؟
- ۲- سمت‌گیری نسبت به اقدام جمعی. آیا مبتنی بر همکاری بوده یا غیر همکارانه؟
- ۳- سمت‌گیری نسبت به نظام سیاسی. آیا تابع فرهنگ سیاسی است یا از آن بیگانه است؟
- ۴- سمت‌گیری نسبت به دیگر مردم. آیا از روی اعتماد است یا بی‌اعتمادی؟ (رابرت دال به نقل از عالم، ۱۳۷۴: ۵۵).

با توجه به تعاریف فرهنگ سیاسی می‌توان دریافت که فرهنگ سیاسی در حیطه ذهنیت جای دارد، و مردم با فرهنگ سیاسی خود، به جهان سیاست می‌نگرند و از آن جهت می‌گیرند. در

واقع مشارکت سیاسی که به نوعی نتیجه جهت گیری سیاسی فردی است، تحت تأثیر همین فرهنگ سیاسی است.

در مجموع فرهنگ سیاسی را می توان محصول تاریخ یک نظام سیاسی و تاریخ زندگی افرادی دانست که آن نظام را شکل می دهند. به همین دلیل به طور کم و بیش یکسانی در حوادث عمومی و تجربه های شخصی افراد ریشه دارد.

مشارکت سیاسی

عرصه مشارکت، بهترین میدان برای آگاهی از خود و دیگران می باشد. تنها از این منظر است که امکان رضایتمندی باطنی و ارضای نیازهای عاطفی و درونی برای فرد حاصل می گردد. مشارکت موجب کشف استعدادها و توانایی های افراد، خود اتکایی، کاهش مخاطرات در تصمیم گیری فردی، جلوگیری از استبداد رأی و خود محوری افراد می گردد. اقدام به مشارکت به عنوان یکی از رفتارهای پیچیده بشری قطعاً تحت تأثیر عوامل متعددی شکل می گیرد، که می تواند ریشه فردی داشته و یا از بعد روانشناختی، و یا ریشه اجتماعی داشته و از بعد جامعه شناختی مورد توجه قرار گیرد.

گیدنز معتقد است عاملان اجتماعی از طریق فعالیت شان شرایطی را ایجاد می کنند که "ساخت اجتماعی" این فعالیت ها را امکان پذیر می سازد. بنابراین آغاز هستی شناسی، حاصل دیالکتیک میان فعالیتها و شرایطی است که در زمان و مکان رخ می دهد (به نقل از ریتزر، ۲۰۱: ۱۳۷۴).

در تحلیل رفتارهای بشری تأکید بر عوامل ساختاری و یا توانایی های فردی کنشگر می تواند باعث شکل گیری تحلیل های نارسا از وقایع اجتماعی گردد. گیدنز کنش را به قدرت مرتبط می سازد، یعنی کنشگر توانایی دخل و تصرف در امور را دارد. به بیان صریح تر، کنشگر اگر توانایی دخل و تصرف در کنش را نداشته باشد، کنشگر نخواهد بود. به عقیده گیدنز قدرت منطقی بر ذهنیت اولویت داشته، زیرا کنش مستلزم قدرت یا توانایی دگرگون سازی موقعیت می باشد (همان منبع: ۶۰۲).

مشارکت سیاسی به عنوان متغیر وابسته در این پژوهش پدیده پیچیده ای است، که به تعداد زیادی از متغیرها و عوامل بستگی پیدا می کند. فهم و تحلیل درست از عوامل مؤثر بر این

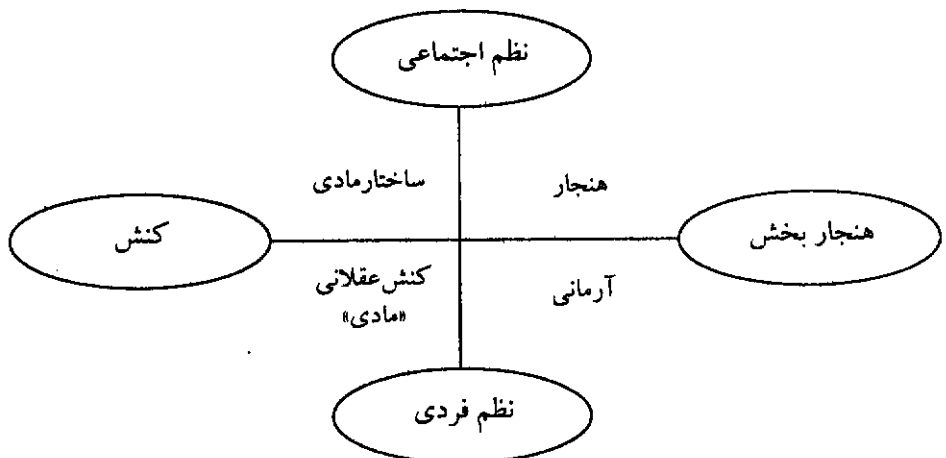
پدیده نیاز به الگوی مفهومی و چارچوب نظری مناسبی دارد تا از این طریق بتوان تمامی متغیرهای تأثیر گذار را شناسائی و اندازه گیری نمود.

چارچوب نظری تحقیق

از جمله اندیشمندان اجتماعی که به تحلیل چند بعدی پدیده‌های اجتماعی پرداخته است، می‌توان از جفری الکساندر نام برد. وی هدف استفاده از نظریه ترکیبی در تحلیل‌های اجتماعی را شناخت عمیق‌تر و دقیق‌تر پدیده‌های مورد بررسی قلمداد می‌کند. دو مفهوم اساسی در نظریه الکساندر نظم و کنش هستند.

وی معتقد است که پیوستار خرد و کلان بستگی به نظم در جامعه دارد. به عبارت دیگر نظم در نتیجه پدیده جمعی بوجود می‌آید. در سطح خرد نظم از عوامل دورنی که طبیعتاً فرد گرایانه دارد، ایجاد می‌شود؛ یعنی نظم ریشه در روابط افراد دارد (ریترز، ۱۳۷۴: ۴۸۴).

به اعتقاد وی کنش از پیوستار مادی - آرمانی نیز برخوردار است، که بعدی از ارتباط خرد و کلان را نشان می‌دهد. کنش در حد آرمانی "ذهنی" به گونه‌ای هنجار بخش غیر عقلانی و عاطفی نمایان می‌شود. اما کنش در حد مادی (عینی) خصیصه وسیله جویانه، عقلانی و مشروط به خود می‌گیرد (همان منبع: ۶۰۶).



شکل ۱: الگوی تلفیقی الکساندر

نظریه کنش پارسونز و جامعه پذیری سیاسی

اجزاء اصلی و بارز نظریه کنش پارسونز را به ترتیب: ارگانیزم رفتاری، نظام شخصیتی، نظام اجتماعی و نظام فرهنگی تشکیل می‌دهند (همان منبع: ۱۳۲). به اعتقاد پارسونز هر کدام از این نظامهای کنش یکی از کارکردهای چهارگانه نظامها را برعهده دارند. بطوری که ارگانیزم رفتاری کارکرد تطبیق با محیط، نظام شخصیتی کارکرد دست یابی به هدف، نظام اجتماعی، یکپارچگی و نظام فرهنگی کارکرد سکون را با تجهیز کنشگران به هنجارها و ارزشهایی که آنها را به کنش بر می‌انگیزد، انجام می‌دهند. جامعه‌پذیری در دیدگاه پارسونز نقش کلیدی دارد و با توجه به علاقه اصلی پارسونز به نظام اجتماعی، فراگردهای ملکه ذهن ساختن و اجتماعی کردن از اهمیت شایانی برخوردار می‌شوند (همان منبع: ۱۳۶).

جامعه‌پذیری سیاسی یکی از اشکال جامعه‌پذیری است که طی آن انسانها یاد می‌گیرند، چگونه به چه کسی تمایلات سیاسی خود را بروز دهند.

کنش متقابل نمادین و مشارکت سیاسی

برخی نظریه‌پردازان کنش متقابل نمادین نظیر بلومر، مانیس و دیگران کوشیده‌اند تا اصول بنیادین این نظریه را بر شمارند این اصول عبارتند از:

- ۱- انسانها بر خلاف جانوران پست تر استعداد تفکر دارند.
- ۲- استعداد تفکر با کنش متقابل اجتماعی شکل می‌گیرد.
- ۳- در کنش متقابل اجتماعی، انسانها معانی و نهادهایی را یاد می‌گیرند که به آنها اجازه می‌دهد تا استعدادهای متمایز انسانی‌شان را برای تفکر به کار اندازند.
- ۴- معانی و نمادها، انسانها را قادر می‌سازند که کنش و کنش متقابل و متمایز انسانی را انجام دهند.

۵- انسانها می‌توانند معانی و نمادهایی را که در کنشها و کنشهای متقابل‌شان بکار می‌برند، بر پایه تفسیری که از موقعیت می‌کنند، تعدیل و یا تغییر دهند. (ریتر، ۱۳۷۴: ۲۸۲) به کمک اصول بنیادی کنش متقابل نمادین، می‌توان برخی از متغیرهای تأثیر گذار بر مشارکت سیاسی چون ویژگی‌های فردی و نیز آگاهی سیاسی، به عنوان قدرت تغییر نهادهای سیاسی را تحلیل و تبیین کرد.

مانفرد کان و مشارکت سیاسی

یکی از شاگردان خلف جرج هربرت مید در مکتب کنش متقابل نمادین "مانفرد کان" می‌باشد. وی و بلومر سعی کردند رفتار فردی را به زندگی گروهی پیوند دهند. کان از موجود انسانی تصویر یک شرکت کننده خلاق و فعال در زندگی گروهی ارائه می‌دهد. بنظر وی در حالیکه محیط دارای واقعیت است اما بوسیله ارگانسیم بطور انتخابی ادراک و به آن واکنش نشان داده می‌شود.

در دیدگاه کان و بطور کلی کنش متقابل نمادین جامعه‌پذیری سیاسی، بخشی از جامعه‌پذیری است که طی آن ایستارهای سیاسی فرد شکل می‌گیرند. فرض اساسی جامعه‌پذیری در دیدگاه کان آنست که آموزش سیاسی دوران قبل از بزرگسالی، بر گرایش‌ها و رفتار سیاسی دوران بزرگسالی تأثیر می‌گذارد. نهادهای اساسی شکل دهنده و عهده‌دار جامعه‌پذیری سیاسی خانواده، مدرسه، وسایل ارتباط جمعی تماس مستقیم با ساختار حکومت، نهادهای مذهبی، گروه‌های همسالان و احزاب سیاسی می‌باشند. (دیویس، نقل از باقری، ۱۳۷۷: ۷۲).

مبادله و مشارکت سیاسی

یکی از بهترین نظریات جامعه‌شناسی که قدرت تحلیلی وسیعی در سطح خرد عینی و همچنین خرد ذهنی دارد، نظریه تبادل می‌باشد. این نظریه بر اساس سود و زیان طراحی شده است و رفتار اجتماعی را به عنوان یک تبادل فعالیت ملموس و کم و بیش پاداش دهنده یا غرامت آمیز، میان دست کم دو شخص در نظر می‌گیرد (هومنز ۱۹۶۱ به نقل از ریتزر ۱۳۷۴: ۴۲۴).

هومنز با تأکید بر یافته‌های اسکینر در مورد کیوتران، قضایای موفقیت، محرک، ارزش، محرومیت - سیری، پرخاشگری - را مطرح می‌کند، که برای تحلیل بسیاری از متغیرهای فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مؤثر بر مشارکت سیاسی کاربرد دارند.

از دیگر نظریه پردازان مکتب مبادله که عقاید وی در تحلیل مشارکت سیاسی به عنوان یک کنش اجتماعی تأثیر بسزائی دارد پیتربلاو می‌باشد.

او با طرح چهار اصل عقلانیت، داد و ستد، عدالت و سود نهایی به قدرت تحلیل این نظریه بعد وسیعتری بخشیده است.

مارکس و مشارکت سیاسی

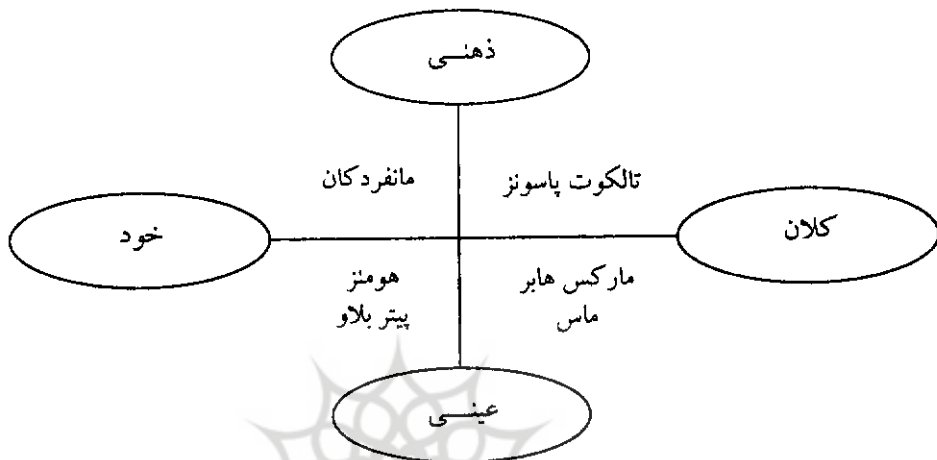
بر اساس نظریه تاریخی مارکس، باید نقش اصلی در تحول تاریخی، به تغییرات در نیروهای تولیدی واگذار گردد. نیروهای تولیدی را به شکل ساده می‌توان شامل ابزار تولید و نیروهای انسانی مولد دانست. تحولات این نیروهای تولیدی منجر به دگرگونی در شکل نیروهای گسترده در قلمروهای سیاست، اقتصاد، دین و فرهنگ و بطور کلی در شئون گوناگون حیات اجتماعی می‌گردد. به عقیده وی ریشه تمامی تحولات اجتماعی در نظام سیاسی است و در پی اصلاح این امور بود. مارکس انسان را عضوی از اجتماعی که با دیگران ارتباط دارد و فردی جدا، منزوی و تنها نیست، می‌پنداشت و معتقد بود جامعه بورژوایی این جنبه از زندگی بشر را برهم می‌زند و تحریف مینماید (اسپریگتزر، ۱۳۶۵: ۶۹).

نظریه انتقادی و مشارکت سیاسی

هابر ماس از بنیان اصلی نظریه انتقادی، آزادی را قلب تپنده نظریه تلقی و تلاش می‌نمود، که از طریق آن انسان بیگانه از زندگی خود را به جایگاه انسان آفریننده زندگی برساند. هابر ماس در تمامی کارهایش رهایی از سلطه را از طریق کنش ارتباطی میسر می‌داند، که حوزه عمومی بستر آن است. این حوزه قلمرویی از زندگی اجتماعی است که افراد می‌توانند موضوعات مورد علاقه شان را مطرح کنند. جایی که آنها می‌توانند این مسایل را بدون توسل به جزمیت، اجبار و خشونت مورد بحث قرار داده و تفاوت و اختلاف نظراتشان را با بحث منطقی حل نمایند (ترنر، ۱۹۸۶: ۷۹).

بنظر هابرماس، منافع فرد نباید قربانی منافع همگانی گردد. فرد هنگامی می‌تواند آزاد باشد، که همه افراد موقعیت‌های اجتماعی مساوی داشته باشند. و تصمیم گیرنده مستقل زندگی خود باشند، بدون اینکه آزادی یک فرد باعث محدودیت در آزادی افراد دیگر باشد. این چنین چیزی قانونگذاری دموکراتیکی را می‌طلبد که در بکارگیری عمومی و همگانی آزادیهای متقابل ریشه داشته باشد. (هابرماس به نقل از گنجی، ۱۳۷۲: ۱۳۲).

با توجه به نظریات مختلفی که ارائه گردید در اینجا سعی شده با ایجاد یک رابطه منطقی بین نظریات ارائه شده و همچنین تلفیق آنها چارچوب نظری مناسبی برای تحلیل متغیرها نمایش دهیم.



شکل ۲: الگوی نظری تحقیق

در شکل بالا نشان داده شده که برای تحلیل هر کدام از سطوح واقعیت اجتماعی، عقاید کدامیک از اندیشمندان اجتماعی و سیاسی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در سطح ذهنی کلان نظریات پارسونز، در سطح ذهنی خرد نظرات مانفرد کان، در سطح عینی کلان نظرات مارکس و هابر ماس و در سطح عینی خرد، نظرات هومنز و پیتر بلاو مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

با توجه به سطح خرد عینی می‌توان گفت که محاسبه سود و زیان در کنش و واکنش، بین افراد و گرایش به جهتی که بیشترین نفع را برای فرد داشته باشد، در همه حیطه‌های زندگی از جمله امور سیاسی قابل مشاهده است. اصل عقلانیت مورد نظر پیتر بلاو مهمترین راهنمای عمل انسان در اکثر فعالیت‌های وی محسوب خواهد شد و مشارکت سیاسی نیز از این قضیه مستثنی نمی‌باشد. مشارکت سیاسی مطابق این اصل تلاش و دخالت در فعالیتهایی است که معطوف به تأثیر بر سیاست‌ها و فعالیت‌های دولت است، که به طور مستقیم و غیر مستقیم به منافع شخص بر می‌گردد (لیپست، به نقل از باقری، ۱۳۷۶: ۹۲).

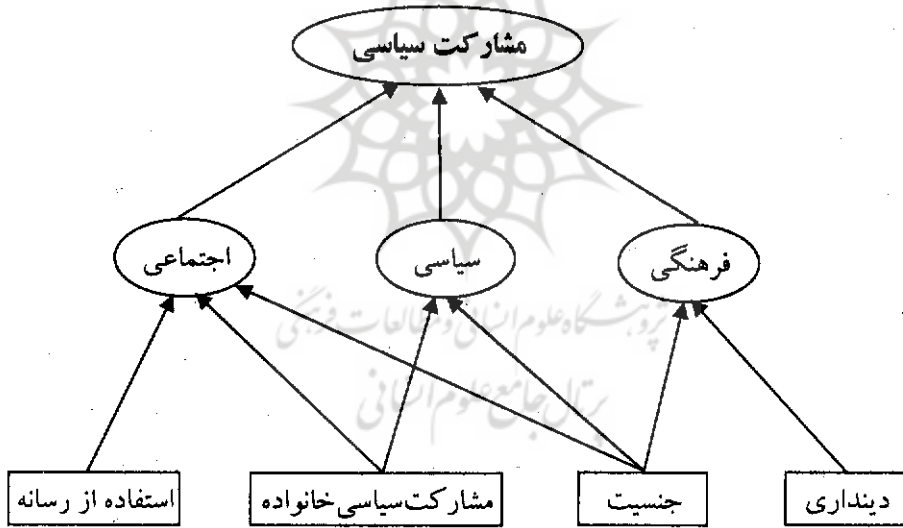
در بعد خرد ذهنی، گروه‌هایی که فرد را احاطه کرده‌اند بر نگرشها و ایستارهای وی نسبت به جهان پیرامونش مؤثر واقع می‌شوند. که عبارتند از خانواده، گروه‌های دوستان، گروه‌های فرهنگی، ورزشی و دینی و غیره. در سطح کلان عینی، به رفتار سیاسی کنشگران در موقعیت‌های عینی معطوف است.

مفهوم فضای عمومی اشاره به فضای باز سیاسی دارد که در آن امکان ارائه نظر و بحث درباره مسایل عمومی از جمله مسایل سیاسی بدون وجود عوامل اخلال گر در روابط بین انسانها وجود دارد. و بالاخره در سطح کلان ذهنی وقتی افراد جامعه بتوانند چشم انداز مثبتی برای فعالیتهای سیاسی و اجتماعی خود پیش بینی نمایند، افزایش مشارکت سیاسی افراد و گروههای مختلف صورت خواهد گرفت.

فرضیات پژوهش

با توجه به متغیرهای پژوهش فرضیات ذیل جهت آزمون طراحی گردیده اند:

- ۱- بین میزان استفاده دانشجویان از رسانه های گروهی و میزان مشارکت سیاسی آنها رابطه معنی داری وجود دارد.
- ۲- بین دینداری دانشجویان و میزان مشارکت سیاسی آنها رابطه معنی داری وجود دارد.
- ۳- بین میزان فعالیت سیاسی اعضای خانواده دانشجو و میزان فعالیت سیاسی دانشجو رابطه معنی داری وجود دارد.
- ۴- بین جنسیت و میزان مشارکت سیاسی دانشجویان رابطه معنی داری وجود دارد.



مدل علی تحقیق

روش‌شناسی پژوهش

در بیشتر تحقیقات اثبات‌گرایی، روش پیمایشی (survey) مورد استفاده قرار می‌گیرد. یکی از ویژگی‌های بارز و شاخص این روش اینست که اطلاعات را از طریق پرسش از خود فرد کسب می‌نماید. در این روش گردآوری اطلاعات عمدتاً بر اساس پرسشنامه صورت می‌گیرد اما از فنون دیگری از قبیل مصاحبه ساختمند، مشاهده و اسناد و مدارک نیز استفاده گردیده است.

شیوه نمونه‌گیری

در این پژوهش به لحاظ شناخته‌نشده پرسش‌شوندگان از روش نمونه‌گیری احتمالی و به دلیل سنجش متغیرهایی چون دینداری و مشارکت سیاسی خانواده از روش سهمیه‌ای در تعیین نمونه استفاده گردیده است.

جامعه آماری

جامعه آماری در این پژوهش جامعه‌ای است که از آن، نمونه‌ای که معرف آن جامعه است مبنای بررسی قرار می‌گیرد. در تحقیق حاضر جامعه آماری دانشجویان دانشگاه اصفهان در سال تحصیلی ۸۴-۱۳۸۳ و به تعداد ۱۰۴۹۵ نفر می‌باشند.

جدول ۱: آمار کل دانشجویان دانشگاه اصفهان در سال تحصیلی ۸۴-۱۳۸۳

مقطع	کارشناسی		کارشناسی ارشد و دکتری		جمع درصد
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
زن	۶۵۳۱	۶۲/۴۰	۶۲۸	۵/۹۸	۶۸/۳۸
مرد	۲۵۲۹	۲۳/۷۵	۸۰۷	۷/۶۵	۳۱/۲۲
جمع	۹۰۶۰	۸۲/۲۲	۱۴۳۵	۱۳/۶۳	۱۰۰

حجم نمونه

از طریق فرمول کوکران حجم نمونه تعداد ۲۶۴ نفر محاسبه گردید.

$$n = \frac{\frac{t^2 S^2}{d^2}}{1 + \frac{1}{n} \left(\frac{t^2 S^2}{d^2} - 1 \right)} = 264$$

که در آن $t=1.96$ ، $S^2(PQ)$ برابر 0.5 در نظر گرفته شده است.

جدول ۲: حجم نمونه بر حسب رشته های کارشناسی کارشناسی ارشد و دکتری

مقطع	کارشناسی	کارشناسی ارشد و دکتری	جمع
زن	۱۶۱	۱۸	۱۷۹
مرد	۶۲	۲۳	۸۵
جمع	۲۲۳	۴۱	۲۶۴

جدول ۳: سهمیه بندی حجم نمونه

جمع کل نمونه	زن						مرد						جنس
	کارشناسی ارشد و دکتری			کارشناسی			کارشناسی ارشد و دکتری			کارشناسی			مقطع
	جمع نمونه	درصد	تعداد	جمع نمونه	درصد	تعداد	جمع نمونه	درصد	تعداد	جمع نمونه	درصد	تعداد	فراوانی دانشکده
۲۹	۳	۰/۶۷	۷۱	۲۹	۱۱/۲	۱۱۷۰	۱	۰/۵۲	۵۵	۶	۲/۱۸	۲۲۹	روانشناسی - علوم تربیتی
۶۴	۵	۲/۰۸	۲۱۹	۴۰	۱۵/۳	۱۶۰۸	۷	۲/۶۸	۲۸۲	۱۲	۴/۲۴	۴۴۶	علوم
۴۶	۳	۱/۲۳	۱۳۰	۲۶	۱۰/۲	۱۰۷۵	۲	۲/۱۳	۳۲۹	۱۵	۵/۹۹	۶۲۹	علوم اداری اقتصادی
۴۹	۲	۱/۰۸	۱۱۴	۳۳	۱۲/۹	۱۳۵۳	۷	۲/۶۲	۲۷۵	۷	۲/۷۸	۲۹۲	ادبیات و علوم انسانی
۲۷	۲	۰/۱۸	۱۹	۱۰	۴	۴۲۰	۲	۰/۴۱	۴۴	۱۳	۴/۸۶	۵۱۱	مهندسی
۹	۱	۰/۱۵	۱۶	۳	۰/۸۲	۸۷	۲	۰/۲۴	۲۶	۳	۱/۱۳	۱۱۹	تربیت بدنی
۲۷	۲	۰/۵۶	۵۹	۱۸	۷/۲۹	۷۶۶	۲	۰/۷۴	۷۸	۵	۲/۰۷	۲۱۸	زبانهای خارجه
۳				۱	۰/۴۸	۵۲				۲	۰/۸		گروه ریاضی
۲۶۴	۱۸		۶۲۸	۱۶۱		۶۵۳۱	۲۳		۸۰۷	۶۲		۲۵۲۹	جمع

روایی و پایایی پژوهش

قابلیت اعتبار (Validity) پژوهش حاضر از طریق بررسی سؤالات پرسشنامه برای آزمون فرضیات، وسیله اساتید راهنما بدست آمد و روایی تحقیق (Reliability) از طریق فرمول آلفای کرونباخ یا شاخص پایایی کل مقیاس با دامنه صفر تا یک استفاده گردید.

دینداری	میزان استفاده از رسانه‌ها	فعالیت سیاسی خانواده	جنسیت
۰/۶۵	۰/۶۶	۰/۵۶	۰/۷۵

متغیرها

متغیر وابسته پژوهش مشارکت سیاسی و متغیرهای مستقل عبارت بودند از: دینداری، میزان استفاده از رسانه‌های جمعی، فعالیت سیاسی خانواده و جنسیت.

تعریف عملیاتی متغیرها

با توجه به تعریف مختلفی که از مشارکت سیاسی به عمل آمده در این پژوهش مشارکت سیاسی فرد بر مبنای ملاک‌هایی چون فعالیت در ستاد انتخاباتی کاندیداها، عضویت در تشکلهای مختلف دانشجویی، شرکت در جلسه سخنرانی فعالان سیاسی، شرکت در راهپیمایی‌ها دعوت از مردم به رأی دادن به فرد خاصی، شرکت در انتخابات مختلف مورد سنجش قرار گرفته است.

تعریف عملیاتی دینداری در این پژوهش بر اساس مدل کلارک و استارت صورت گرفته است. که عبارتند از خواندن نماز، روزه گرفتن و تلاوت قرآن در بعد مناسبی، اعتقاد به قیامت، اعتقاد به معجزه و ... در بعد اعتقادی، کمک به مستمندان و فقرا و پرهیز از خوردن مشروبات الکلی و ... در بعد پیامدی، احساس نزدیکی به خدا در بعد عاطفی و بالاخره آشنایی با تعالیم اسلام و احکام دینی در بعد فکری را می توان نام برد.

در گروه‌بندی دیدگاه‌های تبیین کننده تفاوت‌های جنسیتی در امور سیاست، هویت سیاسی و رفتارهای سیاسی زنان و مردان به دو رویکرد متمایز جامعه پذیری و موقعیت‌ها باید اشاره نمود. در این پژوهش برای سنجش میزان استفاده از رسانه‌های گروهی که نقش تعیین کننده در افزایش آگاهی سیاسی و نیز تغییر نگرش سیاسی افراد در جوامع کنونی دارند، از شاخص‌هایی

چون استفاده افراد از روزنامه، رادیو، مجله، تلویزیون و اینترنت استفاده شده است. میزان فعالیت سیاسی والدین (خانواده) به عنوان یک متغیر مستقل مورد سنجش قرار گرفته است. سه نوع شیوه تربیتی و بر اساس آن سه نوع خانواده استبدادی، اقتاع‌گرایانه و سهل‌گرایانه مورد توجه قرار گرفته و از شاخص‌هایی چون: جریان بحث سیاسی در خانواده، عضویت اعضای خانواده در تشکلهای سیاسی، شرکت اعضای خانواده در انتخابات و شرکت خانواده در راهپیمائیاها استفاده شده است.

ابزار سنجش پژوهش

از آمار توصیفی برای توصیف اطلاعات بدست آمده و از آمار استنباطی به منظور تعیین وجود یا عدم وجود همبستگی بین متغیرها، برآورد و تعمیم نتایج بدست آمده و همچنین از آماره‌های همبستگی مانند اسپیرمن و کندال استفاده گردیده است. جهت تجزیه و تحلیل داده‌های آماری از نرم افزار SPSS بهره گرفته ایم.

بررسی فرضیات پژوهش

فرض اول: بین میزان استفاده دانشجویان از رسانه‌های گروهی و مشارکت سیاسی آنها رابطه معنی داری وجود دارد.

جدول ۵: جدول دو بعدی مشارکت سیاسی و میزان استفاده از رسانه‌های جمعی

مشارکت سیاسی	میزان استفاده از رسانه‌های جمعی			
	کم	متوسط	زیاد	جمع
کم	۳۳ ۴۰/۷٪	۴۹ ۴۴/۵٪	۳۲ ۴۳/۸٪	۱۱۴ ۴۳/۲٪
متوسط	۲۰ ۲۴/۷٪	۲۶ ۲۳/۶٪	۱۷ ۲۳/۳٪	۶۳ ۲۳/۹٪
زیاد	۲۸ ۳۴/۶٪	۳۵ ۳۱/۸٪	۲۴ ۳۲/۹٪	۸۷ ۳۳٪
جمع	۸۱ ۱۰۰٪	۱۱۰ ۱۰۰٪	۷۳ ۱۰۰٪	۲۶۴ ۱۰۰٪

انتظار این بود که رابطه جدول معنی دار باشد، اما چنین وضعیتی در جدول فوق مشاهده نمی‌شود. این در حالی است که فقط ۲۴ نفر یعنی حدود ۳۳ درصد از کسانی که به میزان زیادی از رسانه‌های گروهی استفاده می‌کنند مشارکت زیادی در امور سیاسی داشته‌اند.

جدول ۶: آزمون فرضیه اول

میزان استفاده از رسانه‌های جمعی	مشارکت سیاسی			
-۰/۲۰ ۰/۷۱۳ ۲۶۴	۱/۰۰۰ . ۲۶۴	ضریب همبستگی Sig N	استفاده از رسانه‌های جمعی	ضریب Kendall Tau-b
۱/۰۰۰ . ۲۶۴	-۰/۲۰ ۰/۷۱۳ ۲۶۴	ضریب همبستگی Sig N	مشارکت سیاسی	
-۰/۲۳ ۰/۷۱۴ ۲۶۴	۱/۰۰۰ . ۲۶۴	ضریب همبستگی Sig N	استفاده از رسانه‌های جمعی	ضریب اسپیرمن rho
۱/۰۰۰ . ۲۶۴	-۰/۲۳ ۰/۷۱۴ ۲۶۴	ضریب همبستگی Sig N	مشارکت سیاسی	

بر اساس داده‌های جدول، t بدست آمده از t جدول بزرگتر است. بنابراین فرضیه صفر پذیرفته و فرض یک یعنی وجود رابطه معنی دار بین میزان استفاده از رسانه‌های گروهی و مشارکت سیاسی دانشجویان رد می‌شود.

شاید یکی از دلایل این امر اینست که استفاده از رسانه‌های جمعی خصوصاً رایانه برای دانشجویان در جهت اهداف علمی آنان صورت می‌گیرد، و بسیاری از مجلات، فصلنامه‌ها و حتی روزنامه‌ها جنبه علمی داشته و دانشجویان بخاطر مقاصد علمی از آنها استفاده می‌نمایند.

فرضیه دوم: بین دینداری دانشجویان و میزان مشارکت سیاسی آنها رابطه معنی داری

وجود دارد.

جدول ۷: جدول دو بعدی مشارکت سیاسی با دینداری

مشارکت سیاسی	دینداری			
	کم	متوسط	زیاد	جمع
کم	۴۰ ۴۸/۲٪	۴۱ ۵۰٪	۳۳ ۳۳/۳٪	۱۱۴ ۴۳/۲٪
متوسط	۲۰ ۲۴/۱٪	۱۶ ۱۹/۵٪	۲۷ ۲۷/۳٪	۶۳ ۲۳/۹٪
زیاد	۲۳ ۲۷/۲٪	۲۵ ۳۰/۵٪	۳۹ ۳۹/۴٪	۸۷ ۳۳٪
جمع	۸۳ ۱۰۰٪	۸۲ ۱۰۰٪	۹۹ ۱۰۰٪	۲۶۴ ۱۰۰٪

بر اساس داده‌های جدول توافقی بالا می‌توان نتیجه گرفت که بین دینداری دانشجویان و میزان مشارکت سیاسی آنها رابطه معنی داری یافت می‌شود، یعنی هر چه افراد از دینداری بیشتری برخوردار باشند مشارکت سیاسی آنها نیز بیشتر بوده است.

جدول ۸: آزمون فرضیه دوم

ضریب	مشارکت سیاسی	میزان استفاده از رسانه‌های جمعی	ضریب همبستگی	ضریب همبستگی	ضریب همبستگی
ضریب کندال Tau-b	مشارکت سیاسی	۰/۱۱۸	۱/۰۰۰	ضریب همبستگی	۰/۳۲
	دینداری	۰	۰/۱۱۸	ضریب همبستگی	۰/۳۲
ضریب اسپیرمن rho	مشارکت سیاسی	۰/۱۳۳	۱/۰۰۰	ضریب همبستگی	۰/۳۱
	دینداری	۰	۰/۱۳۳	ضریب همبستگی	۰/۳۱
		۲۶۴	۲۶۴	Sig N	۲۶۴
		۲۶۴	۲۶۴	Sig N	۲۶۴
		۲۶۴	۲۶۴	Sig N	۲۶۴
		۲۶۴	۲۶۴	Sig N	۲۶۴

داده‌های جدول فوق نشان می‌دهد که t بدست آمده از t جدول کوچکتر است. پس فرضیه صفر را نمی‌توان پذیرفت و رد می‌شود.

نتایج این جدول نشان می‌دهد که فرض ما در مورد ارتباط معنی‌داری بین دینداری و میزان مشارکت سیاسی دانشجویان درست می‌باشد و فرض ما در سطح ۹۵٪ اطمینان پذیرفته می‌شود.

فرضیه سوم: بین میزان فعالیت سیاسی اعضای خانواده دانشجویان و میزان فعالیت سیاسی وی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

جدول ۹: جدول دو بعدی مشارکت سیاسی با مشارکت سیاسی خانواده

جمع	زیاد	متوسط	کم	مشارکت سیاسی خانواده
				مشارکت سیاسی
۱۱۴	۴۱	۵۲	۲۱	کم
۴۳/۲٪	۳۷/۳٪	۴۴/۱٪	۵۸/۳٪	
۶۳	۲۴	۳۱	۸	متوسط
۲۳/۹٪	۲۱/۸٪	۲۶/۳٪	۲۲/۱٪	
۸۷	۴۵	۳۵	۷	زیاد
۳۳٪	۴۰/۹٪	۲۹/۷٪	۱۹/۴٪	
۲۶۴	۱۱۰	۱۱۸	۳۶	جمع
۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	

بر اساس داده‌های موجود جدول شماره ۹ بین فعالیت سیاسی اعضای خانواده دانشجویان و مشارکت سیاسی وی رابطه معنی‌داری وجود دارد. به عبارت دیگر ۵۸٪ از کسانی که خانواده‌هایشان فعالیت سیاسی کمی داشته‌اند، خودشان نیز دارای مشارکت سیاسی در حد پائینی و ۴۰/۹٪ آنهاست که خانواده‌هایشان فعالیت سیاسی زیادی داشته‌اند خودشان نیز فعالیت مشارکت زیادی داشته‌اند.

جدول ۱۰: آزمون فرضیه سوم

میزان استفاده از رسانه‌های جمعی	مشارکت سیاسی			
۰/۱۴۳ ۰/۰۱۰ ۲۶۴	۱/۰۰۰ . ۲۶۴	ضرب همبستگی Sig N	مشارکت سیاسی	ضرب کدال Tau-b
۱/۰۰۰ . ۲۶۴	۰/۱۴۳ ۰/۰۱۰ ۲۶۴	ضرب همبستگی Sig N	مشارکت سیاسی خانواده	
۰/۱۵۷ ۱۵۷ ۲۶۴	۱/۰۰۰ . ۲۶۴	ضرب همبستگی Sig N	مشارکت سیاسی	ضرب اسپیرمن rho
۱/۰۰۰ . ۲۶۴	۰/۱۵۷ ۰/۰۱۰ ۲۶۴	ضرب همبستگی Sig N	مشارکت سیاسی خانواده	

در تجزیه و تحلیل جدول شماره ۱۰ می‌توان ادعا نمود که از آنجائیکه t بدست آمده از t جدول کوچکتر بوده، فرضیه صفر را نمی‌توان پذیرفت. در نتیجه نتایج جدول فرض ما مبنی بر وجود رابطه معنی‌داری بین فعالیت سیاسی خانواده دانشجو و مشارکت سیاسی وی تأیید می‌گردد.

فرضیه چهارم: بین جنسیت و میزان مشارکت سیاسی دانشجویان رابطه معنی‌داری وجود دارد.

جدول ۱۱: جدول دو بعدی مشارکت سیاسی و جنسیت

جمع	مرد	زن	جنسیت
			مشارکت سیاسی
۱۱۴ ۴۳/۲٪	۲۲ ۲۸/۶٪	۹۲ ۴۹/۲٪	کم
۶۳ ۲۳/۹٪	۱۸ ۲۳/۴٪	۴۵ ۲۴/۱٪	متوسط
۸۷ ۳۳/۰٪	۳۷ ۴۸/۱٪	۵۰ ۲۶/۷٪	زیاد
۲۶۴ ۱۰۰٪	۷۷ ۱۰۰٪	۱۸۷ ۱۰۰٪	جمع

بر اساس جدول بالا بین جنسیت و مشارکت سیاسی در بین دانشجویان رابطه معنی‌داری وجود دارد. یعنی عامل جنسیت بر میزان مشارکت سیاسی دانشجویان مؤثر بوده است.

جدول ۱۲: آزمون فرضیه چهارم

میزان استفاده از رسانه‌های جمعی	مشارکت سیاسی			
-/۲۰۷ ۰۰۰۰ ۲۶۴	۱/۰۰۰ ۰ ۲۶۴	ضریب همبستگی Sig N	مشارکت سیاسی	ضریب کدوال Tau-b
۱/۰۰۰ ۰ ۲۶۴	-/۲۰۷ ۰۰۰۰ ۲۶۴	ضریب همبستگی Sig N	جنسیت	
-/۲۱۹ ۰۰۰۰ ۲۶۴	۱/۰۰۰ ۰ ۲۶۴	ضریب همبستگی Sig N	مشارکت سیاسی	ضریب اسپیرمن rho
۱/۰۰۰ ۰ ۲۶۴	-/۲۱۹ ۰۰۰۰ ۲۶۴	ضریب همبستگی Sig N	جنسیت	

نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که t بدست آمده کوچکتر از t جدول می‌باشد و لذا فرضیه صفر را نمی‌توان پذیرفت و رد می‌شود. یعنی می‌توان ادعا نمود که مردان بیش از زنان در فعالیت‌های سیاسی مشارکت دارند.

نتیجه‌گیری

طرح و پیگیری مشارکت سیاسی مردم در امور حکومتی و تصمیم‌گیریهای دولتمردان از سوی خود آنها و صاحب‌نظران مختلف، با هدف دوام و بقای حکومتها و افزایش مشروعیت

نظامهای سیاسی از یک طرف و طرح اساسی‌ترین نیازها و منافع مردم در قالب شعارها و برنامه‌ها، کاندیداهای مختلف، با هدف جلب آراء عمومی از سوی دیگر، بیانگر اهمیت این بحث در نزد حکومتها و مردم است. مردم از میان کاندیداها آنهایی را انتخاب می‌کنند که حامی منافعشان باشند و برنامه‌های جامع‌تر و مفیدتری را برای مردم ارائه دهند. حکومتها نیز در جامعه معاصر با اتکاء بر آراء عمومی است که می‌توانند مشروعیت یابند و اهداف خویش را به پیش ببرند.

واژه مشارکت در جامعه ایران، بسیار نوپا بوده و قطعاً با فراز و نشیب‌ها بسیاری روبرو خواهد بود. جامعه ما در مسیر مشارکت سیاسی با دو مشکل اساسی روبرو است. اولین مشکل تاریخی‌چرخه به مشارکت سیاسی در ایران بر می‌گردد. بعضی از دولتمردان ما بدلیل کوتاهی عمر مشارکت در این کشور توان کافی برای شکل‌دهی و هدایت مشارکت‌های مردمی را ندارند و بعضاً دخالت‌های مردم در امور حکومتی را نمی‌توان تحمل کنند. این در حالی است که بر اساس قانون اساسی کشور ما و نیز دستورات دین مبین اسلام، مردم حاکم بر سرنوشت خود می‌باشند و دولتها باید به صورت شفاف مسیر مشارکت مردمی را تعیین کنند. به شکلی که آزادی آنها به مخاطره نیفتد. مشکل دوم به آگاهی سیاسی مردم ما مربوط می‌شود. مردم کشور ما بدلیلی که قبلاً ذکر شد از تجربه کافی در امر مشارکت برخوردار نیستند. مشارکت سیاسی نیاز به فراگیری فنون و کسب ابزار لازم دارد و تنها کسی می‌تواند از مشارکت نتیجه مطلوب دریافت نماید که از آگاهی سیاسی برخوردار باشد و بتواند مسیر صحیح را طی کند. در غیر اینصورت نه تنها موفق نخواهد بود بلکه کمترین ضرر و زیانی که خواهد دید بی‌تفاوتی و بی‌اعتمادی سیاسی است که دچار آن خواهد شد.

در این پژوهش جامعه آماری از میان دانشجویان دانشگاه انتخاب گردیده، و از بین زنان و مردان دانشجوی، حجم نمونه‌ای انتخاب، و فرضیات نیز در بین آنها به آزمون نهاده شده است. نتایج بدست آمده نشان داد که استفاده از رسانه های گروهی توسط دانشجویان تأثیر بسزایی بر میزان مشارکت سیاسی آنها نداشته و این در صورتی است که در تحقیقاتی که جامعه آماری غیر دانشجوی بوده‌اند، فرضیه تأیید شده است. دلیل این امر آنست که اکثر دانشجویان جهت انجام فعالیت‌های علمی مجبورند از اینترنت، مجلات و روزنامه و برخی از شبکه‌های

تلویزیونی استفاده کنند و این مسأله در صورتی که ممکن است هیچ گونه هدف سیاسی در بین نداشته باشد.

بر اساس فرض دوم تحقیق و داده‌های موجود، بین دینداری دانشجویان و میزان مشارکت سیاسی آنها رابطه معنی‌داری دیده می‌شود یعنی کسانی که گرایش مذهبی قوی‌تری دارند، میزان مشارکت سیاسی آنها نیز نسبت به دیگران بیشتر است.

از دیگر نتایج این پژوهش وجود رابطه معنی‌داری بین مشارکت سیاسی خانواده و میزان مشارکت سیاسی دانشجویان است. این امر نشانه اهمیت خانواده و همچنین هنجارهای موجود در جریان جامعه‌پذیری دانشجویان است به عبارت دیگر میزان اهمیت مسایل سیاسی برای خانواده‌ها به توجه و رفتار سیاسی دانشجویان تأثیرگذار بوده و نگرش سیاسی آنها را تحت تأثیر قرار خواهد داد.

آخرین فرضیه رابطه جنسیت و مشارکت سیاسی دانشجویان را مورد سنجش قرار داده که معنی‌دار بودن رابطه به اثبات رسید. بدین معنی که دانشجویان مرد مشارکت سیاسی بیشتری نسبت به دانشجویان زن دارند، لذا به همین خاطر است که در محافل عمومی گاهی شنیده می‌شود زنان محافظه کارند.

پیشنهادات

واژه مشارکت در جامعه ایران، بسیار نوپا بوده و قطعاً با فراز و نشیب‌های بسیاری روبرو خواهد بود. جامعه ما در مسیر مشارکت با دو مشکل اساسی روبرو است. اولین مشکل به تاریخچه مشارکت سیاسی در ایران بر می‌گردد. بعضی از دولتمردان ما بدلیل کوتاهی عمر مشارکت در این کشور، توان کافی برای رفع مشکل و هدایت مشارکتهای مردمی را ندارند لذا پیشنهاد می‌گردد:

- ۱- مسئولین و دولتمردان ما دخالت‌های مردم در امور حکومتی را تحمل نمایند.
- ۲- بر اساس قانون اساسی کشور ما و نیز دستورات دین میثت اسلام، مردم حاکم بر سرنوشت خویشند، لذا دولتها باید به صورت شفاف مسیر مشارکت‌های مردمی را تعیین نمایند.
- ۳- کمترین ضرر و زیانی که از عدم مشارکت سیاسی مردم عاید جامعه و آینده سیاسی جامعه

می‌گردد، بی‌اعتمادی سیاسی آنان می‌باشد. لذا کمک به بالا بردن سطح آگاهی‌های سیاسی مردم می‌تواند مشارکت آنان را تسریع نماید.

۴- دولت باید هنجارهایی را طراحی نماید تا کنشهای سیاسی افراد را پاداش داده تا همه افراد جامعه تشویق به فعالیت سیاسی گردند.

۵- قشر دانشجویی از هر طبقه و گروه اجتماعی تحت تأثیر ارزشها و الگوهای دانشگاه به فعالیت مشارکت سیاسی می‌پردازند، لذا هر چه بیشتر این زمینه فراهم گردد، مشارکت آنان افزایش می‌یابد.

۶- با توجه به نتایج برخی پژوهشها که فعالیت سیاسی زنان را نسبت به مردان محافظه کارانه تر نشان می‌دهد اما با فراهم آوردن زمینه لازم، آنان نیز می‌توانند نقش مهمی در مشارکت سیاسی داشته باشند.

منابع

- ۱- اسپریگنز، توماس، فهم نظریه‌های جامعه‌شناسی، ترجمه فرهنگ رجائی، تهران، نشر آگاه، ۱۳۶۵.
- ۲- باقری، محمد رضا، بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی جوانان شهر شیراز، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز، ۱۳۷۷.
- ۳- رضایی، عبدالعلی، مشارکت اجتماعی وسیله یا هدف، اطلاعات سیاسی، اقتصادی، سال یازدهم، شماره اول و دوم، ۱۳۷۵.
- ۴- ریتزر، جورج، نظریه‌های جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۷۴.
- ۵- عالم، عبدالرحمان، فهم فرهنگ سیاسی، مجله سیاست خارجی، سال نهم، شماره شانزدهم، ۱۳۷۴.
- ۶- گنجی، محمد، تبیین وضعیت دینداری دانشجویان، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۳.
- ۷- محمدی، مجید، مقدمه‌ای بر فرهنگ سیاسی ایران، ماهنامه فرهنگ و توسعه، سال اول، شماره ۱۱، ۱۳۷۳.

عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی ... ۱۷۵/...

۸. هانتیگتون، ساموئل، سازمان سیاسی در جوامع دستخوش تحول، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر نی، ۱۳۷۵.

9. Almond and Verba (1973). *civic culture*, prince university press.

10. Turner. J. H. (1986). *the structure of sociological theory the Dorsey press*, Forth Edition.

ضمناً جهت آگاهی و مطالعات بیشتر در زمینه مشارکت سیاسی می‌توان به منابع زیر مراجعه نمود:

۱- احمدنیا، شیرین، عوامل فرهنگی - اجتماعی مؤثر بر مشارکت محدود زنان، نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، شماره ۴، تهران، ۱۳۸۰.

۲- اسپدیگنز، توماس، فهم نظریه‌های سیاسی، ترجمه فرهنگ رجائی، نشر آگاه، تهران، ۱۳۶۵.

۳- بشیریه، حسین، جامعه‌شناسی سیاسی، نشر نی، چاپ هفتم، تهران، ۱۳۸۰.

۴- بشیریه، حسین، هابرماس: نگرش انتقادی و نظریه تکاملی، اطلاعات سیاسی - اقتصادی شماره ۷۳ و ۷۴، تهران، ۱۳۷۴.

۵- رجائی، فرهنگ، سیاست چیست؟ و چگونه تعریف می‌شود، مجله سیاست خارجی، سال چهارم، شماره اول و دوم، تهران، ۱۳۶۶.

۶- سراج زاده، سید حسین، نگرشها و رفتارهای دینی نوجوانان تهران و دلالت‌های آن بر نظریه سکولار شدن، نمایه پژوهش شماره ۷ و ۸ پاییز و زمستان، تهران، ۱۳۷۷.

۷- مردوخ، بایزید، مشارکت مردم در فرایند توسعه و طراحی برای سنجش میزان آن، اقتصاد کشاورزی و توسعه شماره ۶، سال دوم، تهران، ۱۳۷۳.

8. Beck, A. P. M. Jennings. (1982). *path ways to participation American science review*, Vol 76 , No 24.

9. Supe. A. D. (1977). *convictional Religion and political participation in postwar Rural japan, social farces*, Vol 55, No 3 .

10. Lipset, S. M. (1963). *political Man, the social bases of political*, New York university press.
11. Young, M. (1993). *Local Media and political participation: An Empirical*, investigation, university of windsor canada.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی